

بازخوانی اسناد لانه‌ی جاسوسی آمریکا

(دسته بندی نوع فعالیت‌های سفارت آمریکا در سالهای قبل انقلاب و

اوایل انقلاب و بازخوانی کتاب خاطرات مستر همفر و خبر جاسوسی

سفارت آمریکا در کشورهای اروپایی در سال ۱۳۰۱ م / اواسط

(۱۳۹۲ ش)

♦ - بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۹۵/۸/۱۲



بعد از آنکه جوانهای ما رفتند و این مرکز را تسخیر کردند و با زحمت زیاد توانستند کاغذهایی را که خرد شده بود، مدارکی را که در کاغذخردکن ریخته شده بود، گردآوری کنند، جمع کنند، به هم بچسبانند و به صورت کتاب در بیاورند، آن وقت معلوم شد که چه توطئه‌هایی هم در طول این مدت در داخل سفارت آمریکا وجود داشته. این کتابها حدود هفتاد جلد است؛ شماها خوانده‌اید اینها را؟ چرا هیچ نشانی از مضامین برگزیده‌ی این کتابها در مجموعه‌ی مدارس ما، دبیرستان‌های ما، دانشگاه‌های ما نیست؟ چرا؟ این یکی از اعتراضهای من است. وزیر جدید محترم آموزش و پرورش اینجا در جلسه هستند؛ چرا اینها را داخل کتابهای درسی قرار نمیدهید؟ چرا نمیگذارید نسل جوان ما، نسل جدید ما بفهمد و بداند که آمریکا با اینجا چه کرده است و چه توطئه‌هایی زیر سر داشته؟

♦ - ۹۲/۸/۱۲ ؛ آن روز جوانهای ما اسم سفارت آمریکا را گذاشتند لانه‌ی جاسوسی، امروز بعد از

گذشت سی و چند سال از آن روز، اسم سفارتخانه‌های آمریکا در نزدیکترین کشورها به آمریکا - یعنی کشورهای اروپایی - شده است لانه‌ی جاسوسی؛ یعنی جوانهای ما سی سال از تقویم تاریخ دنیا جلو بودند.

- انواع متفاوت فعالیت های صورت گرفته در سفارت آمریکا

۱- به دست آوردن اطلاعات بسیار ریز از مسئولین کشور برای ایجاد ارتباط با آنها :

۱-۱: اطلاعات ریز از وزیر کشاورزی :

- همانطور که در سند زیر می بینید در بند ۱۰ این سند جاسوس متنی را قرار داده است تحت عنوان بیوگرافی از اینکه وزیر کشاورزی خود کشاورز است و ظاهراً سیب زمینی و کلم و برنج می کارد هم جاسوس سعی می کند به وزارت خارجه ای آمریکا خبر دهد.

سند شماره (۱۵)

طبقه بندی : خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا در تهران
تاریخ : ۴ مه ۱۹۷۹ - ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸
به: وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن دی. سی. - فوری
موضوع : ملاقات کاردار با دکتر محمد ایزدی ، وزیر کشاورزی
۱ - (تمام متن خیلی محرمانه است)

۱۰ - بیوگرافی: دکتر محمد ایزدی ، ۵۳ ساله، فردی است لاغر اندام، با کله ای تاس و صورتی ریش دار. او زبان انگلیسی را خیلی خوب به کار می برد و به دقت صحبت می کند و ظاهری مورد اعتماد دارد. او در دانشگاه پنسیلوانیا درس خوانده و در زمینه علوم کشاورزی از دانشگاه اورگون مدرک دکترا دریافت کرده است. در این اواخر نیز در دانشگاه پهلوی شیراز به عنوان استاد علوم کشاورزی کار می کرد. وی خود کشاورز است و ظاهراً سیب زمینی، کلم و برنج می کارد. رفتار وی با میهمانانش توأم با خونسردی و بی تفاوتی بود. پذیرش گرمی از ما به عمل نیاورد. (حتی در حین گفتگو، بدون عذرخواهی به انجام یک مکالمه طویل المدت تلفنی پرداخت). به نظر می رسد او خود را آماده کرده باشد تا به محض شروع سخن حملاتش را به سیاست خارجی آمریکا آغاز نماید. نظریات صادقانه و تحقیقاً تغییرناپذیر وی در مورد مطبوعات آمریکا که رواج آن حتی بین ایرانیانی با این تحصیلات عالی در آمریکا نیز عجیب نیست، توأم با تعقیب کورکورانه وی در مورد تبلیغات و اکاذیبی

۲- ملاحظات شدید امنیتی برای کسی که مثلاً تاجر است !!

برقراری تماس شخصی به نام " راترفورد " در قالب شرکت تجاری با بنی صدر برای راضی کردن بنی صدر برای اینکه بنی صدر مشاوره اقتصادی شرکت باشد. ولی بنی صدر در ملاقات با او اظهارات سیاسی هم می کرده است. در زیر سندی را می بینید که راترفورد برای رفتن از یک محل به جائی دیگر چه احتیاطهای امنیتی را در نظر می گرفته است. مثلاً از سمت چپ خیابان حرکت کند، اگر سوار تاکسی نشد یک چهارراه جلوتر برود و سوار ماشین بشود. باید دقیقاً رأس ساعت ۲۰:۰۰ حرکت کند و

سند شماره ۴

سرّی

از: تهران ۵۳۸۹۴ ۲۰ مرداد ۱۳۵۸ اعضاء

به: فوری فرانتک، رونوشت فوری برای رئیس، بن، آلمان دیرتک^۴

اخطار جاسوسی پخش محدود ل، پ، گامین س، د، لور

عطف به رئیس ۵۴۹۲۲۱۹

۱- ترتیبات تماسها به قرار زیر می باشند:

الف - راترفورد در یکی از روزهای هفته قبل از ساعت ۱۳ به یکی از شماره های «هویت الف» تلفن می کند و یکی از شماره های داخلی «هویت ب» را می خواهد (تماس تلفنی نباید از اتاق هتل انجام گیرد). خود را به نام «هویت ج» معرفی می کند و سراغ «هویت د» را می گیرد. ^۶ فردی که تلفن را جواب می دهد می گوید که «هویت د» در اداره نیست و قرار است در یک ساعت معینی به اداره برگردد. ساعات معینی که گفته می شود روز ملاقات را تعیین می کند. بدین ترتیب که ساعت یک یعنی ملاقات در همان روز و ساعت دو یعنی ملاقات در روز بعد.

ب - علائم راهنمایی دیگر در خیابانهای اطراف هتل اینترکنتینانتال وجود ندارد، بنابراین راترفورد برای رسیدن به محلی که ماشین او را سوار می کند باید طبق برنامه زیر عمل کند:

هتل را ترک کند، به سمت چپ پیچیده (در امتداد خیابان آریامهر سابق) به طرف غرب برود تا به اولین چهارراه برسد سپس به سمت چپ پیچیده و از سمت چپ خیابان امیرآباد سابق) به طرف جنوب برود.

پگوبین^۱ سوار بر پیکان ۴ در زرد کم رنگ برای سوار کردن راترفورد به طرف شمال خیابان امیرآباد حرکت می کند. اگر راترفورد به چهارراه بعدی (تقاطع امیرآباد و کشاورز بلوار الیزابت دوم سابق) برسد باید همان جا منتظر بماند تا پکوبین برسد و سوارش کند.^۲

ج - راترفورد باید دقیقاً رأس ساعت ۲۰-۰۰ هتل را ترک کند.

۲- لطفاً به راترفورد اطلاع دهید که برای منتظر ماندن در خیابان و سوار ماشین شدن، لباس معمولی بهترین لباس است. از او بخواهید که مشخصات لباسی را که می خواهد بپوشد برای ما شرح دهد. ما از توضیحاتی که شما در مورد مشخصات جسمانی نامبرده می دهید تشکر می کنیم.^۳

۳- با علم به اینکه برنامه سفر راترفورد جنبه آزمایشی دارد توصیه می کنیم که وی با احتساب دو یا سه روز بیشتر از حداقل مدتی که قرار است در تهران بماند، هرچه زودتر برای خروج از تهران بلیطش را رزرو نماید چرا که تمام صندلیهای پروازهای خطوط هوایی به مقصد غرب از چندین هفته جلوتر رزرو شده اند. تا تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سَرّی

بنی صدر ۴۷۱

سند شماره ۱

از: تهران ۵۳۳۶۵ (به کفالت گلگروف) ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ اعضاء
به: رئیس

اخطار جاسوسی پخش محدود س، د، لور - س، د، داتر^۲

عطف به: الف - رئیس ۴۴۶۷۵۲ ب - تهران ۲۵۳۲۶۰

۱- س، د، راتر - ۴ (ر-۴) تأیید می کند که س، د، لور - ۱، (ل-۱) و خانواده اش در تهران اقامت دارند، تلفن خانه او ۸۵۰۸۰۶ می باشد. ر - ۴ گفت که (ل-۱) با پسر عموی^۵ من در ۱۰ خرداد شام خورده است و از فعالیت های قطب زاده و یزدی به تلخی گله کرده است، او حالا خودش را در رده مقابل آنها قرار می دهد. ر - ۴، گفت که ل - ۱ فرد جاه طلبی می باشد که هنوز فکر می کند اگر شایسته ریاست جمهوری نباشد، حداقل شایستگی وزارت را خواهد داشت.

۲- در ملاقات ۱۲ خرداد ر - ۴ اتفاقاً موضوع ل - ۱ را مطرح کرد. ر - ۴ دوباره اصرار کرد که اگر بعد از اولین جلسه ملاقات در پاریس ما هنوز با ل - ۱ تماس برقرار نکرده ایم، این کار را انجام دهیم.

۳- پرونده ۲۰۱-۰۶۳۵۲۷ و ۹۵۹۲۸۹ - ۲۰۱ تا ۱۷ خرداد ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود.

تماماً سَرّی

۳ - تماس با میانه رو های آن روز که بعداً مخالف انقلاب شدند - تماس با آیت الله

شریعتمداری -

- دادن اطلاعات از طرف آمریکایی ها به آقای شریعتمداری توسط مأموری در قالب بازرگان تجاری -
ص ۲۷۱ پی دی اف ۶ کتاب ۵۵ -

سند شماره (۴)

سری

۱۲ اردیبهشت ۵۸ - اعضاء

به: تهران

از: رئیس ۴۳۰۲۵۳

هشدار - شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: تهران ۵۲۷۹۹

۱- ستاد هیچ گونه سابقه ای از تماس با شریعتمداری ندارد. گزارشهای متعدد اطلاعاتی از تاریخ ۱۳۴۵ وجود دارند که اساساً نشان می دهند که او با شاه مناسبات نسبتاً خوبی داشته و همچنین در لیست حقوق بگیران ساواک بوده است. به عنوان نمونه ادعای اخیر، در گزارش مورخ آبان ۱۳۵۰ از او به عنوان رئیس مرکز مذهبی قم نامبرده شده که از نخست وزیری و ساواک وجوهاتی دریافت می کند. در مورخ.... ۱۳۵۰ شریعتمداری به عنوان یکی از برجسته ترین رهبران مذهبی که با ساواک برای تشکیل یک سپاه دین مذهبی همکاری می کند گزارش شد. در یک گزارش در سال ۱۳۵۷ گفته شده که او چهره مذهبی برجسته ای است که توسط ساواک تأمین می شود. تصور می شود که قرارگاه سابقه و بیوگرافی کافی از سفارتخانه گرفته باشد، در غیر آن صورت لطفاً اطلاع دهید و ستاد تهیه خواهد کرد.

۲- ما نسبت به خواست ظاهری شریعتمداری به اخذ اطلاعات از دولت آمریکا بسیار علاقه مندیم. تصور می کنیم که این تمایل فرصتی عالی برای عملیات مخفی را فراهم می کند و اگر مجرای مناسبی برای رساندن اطلاعات به وی فراهم شود حاضر خواهیم بود که آنها را فراهم کنیم. براساس تلگرام مرجع، ما

سند شماره (۱۷)

متن اظهارات اهرن در مورد مقدم مراغه‌ای

رحمت مقدم مراغه‌ای، گزارشی راجع به: ۱- پیشرفت مجلس خبرگان، ۲- مسائل و مشکلات انقلاب در آینده و بیشتر مسائل کلی.

او منبع نبوده است و حتی من به او نگفته بودم که مأمور سیا هستم، بلکه به عنوان مأمور سیاسی سفارت تقریباً هر هفته یک بار در روزهای پنج‌شنبه بعد از ظهر با وی در خانه‌اش ملاقات داشتم. پول نمی‌گرفته است. اسم رمز - اس. دی. پروب / ۱

سؤال: درباره مقدم مراغه‌ای قدری بیشتر توضیح دهید:

یک فرد در سفارت ژاپن آقای مقدم را می‌شناسد، اسم وی هاسه گاووا است. در ماه اوت با وی آشنا شدم. وی به دنبال کسی می‌گشت که برای پسرش که در آمریکا درس می‌خواند و تابستان را در تهران بوده

خط میانه (۵) ۳۱۹

است، ویزا بگیرد. لذا فرد ژاپنی وی را به من معرفی کرد، زیرا من علاقه‌مند بودم که با وی تماس بگیرم. محل ملاقات در خانه وی بوده است. بعد از ظهرها معمولاً ساعت ۲/۵ یا ۳ بعد از ظهر ملاقات می‌کردیم برای مدت یک ساعت و نیم «حدوداً». معمولاً روزهای پنج‌شنبه به آنجا می‌رفتم.

یک بار برای وی یک بطری اسکاچ به عنوان هدیه بردم، ولی خودش نخورد و به من هم نداد. در رابطه با رابطه بین شریعتمداری و خمینی بحث کردیم.

پیشنهاد کرد که باید کسی از طرف دولت آمریکا به دیدار خمینی برود هر چند که دیر شده است، ولی هنوز هم به نفع منافع آمریکاست که این ملاقات صورت پذیرد.^۱

سند شماره (۱)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ - اعضا
از: ۴۲۹۰۱۰

سری

به: تهران

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. اس. دی. کاراوی

۱- قرارگاه می‌تواند سند تماس مجدد با اس. دی. کاراوی ۱/ (ک/۱) (هویت الف) را که استاد دانشگاه (هویت ب) است دوباره در نظر گیرد. ک / ۱ برادر اس. دی. یکن ۱/ (پ/۱) است و اولین بار او پ/۱ را به گنجیان معرفی نمود. ک/۱ می‌دانست که پ ۱۹ تماسهایی با گنجیان دارد. اما احتمالاً نمی‌دانست که همکاری پ/۱ با سیا تا چه حد است.

۲- ک/۱ منبع سه گزارش در مورد مخالفین مستقل «پناه (نه جبهه ملی، نه دینی) پیش از سقوط دولت بختیار بود. او از وابستگی گنجیان به سیا اطلاع داشت. موافقت کرده بود که رابطه خود را محرمانه و محتاطانه نگه دارد و طرح تماس مجدد را پذیرفت (به پاراگراف سه رجوع شود). آخرین تماس با ک/۱ تلفنی بود و پیش از عزیمت گنجیان صورت گرفت. ک/۱ گفت که او عضو «کمیته» هویت ب است و افزود آنها مشغول تحقیق از مقامات دولتی پیشین هستند که با هویت ب ارتباط داشته بودند ک/۱ به دلیل وضع

امنیتی از پذیرفتن ملاقات حضوری خودداری نمود، اما اظهار داشت که قصد دارد تماس تلفنی را ادامه دهد. ک/۱ تمایل «روشنفکری» داشت به اینکه درباره تمایلات و وقایع کلی اوضاع سیاسی ایران به قدر قابل توجهی صحبت کند، اما در عین حال اخبار مستندی نیز که دارای ارزش اطلاعاتی بودند می‌داد. به هر صورت ک/۱ خود را فردی با هوش و خوش بیان با علائق سیاسی پرمایه نشان داده است. او بر حسب شرایط فردی خود ممکن است حاضر باشد تماس با مأمور سیا را بپذیرد.

۳- مشارالیه پذیرفت که به هر کس که از عبارت کلیدی «سنگ گچ انگلیسی» استفاده کند جواب دهد. اگر او اسم رمز را فراموش کرده باشد. به هر کس که خود را دوست و همکار گنجیان (نام حقیقی) معرفی کند جواب خواهد داد. محل ملاقات باید در تماس او معین گردد. ۴- پرونده: ۰۹۵۸۸۵۴ - ۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سند شماره (۲)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ - اعضا
از: رئیس ۴۲۹۰۲۸

سری

به: تهران

هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است

عطف به: رئیس ۴۲۹۰۱۰

۱- در ذیل هویت مرجع می‌آیند:

هویت الف - دکتر تورج ناصری

هویت ب - دانشگاه صنعتی آریامهر

هویت ج - نشانی منزل: شهرک غرب، قطعه ۹۰۷، فاز...

تلفن منزل: ۶۸۹۲۲۸ تکرار می‌شود ۶۸۹۲۲۸ تلفن اداره: ۹۱۸۵۱۱ تکرار می‌شود ۹۱۸۵۱۱

۲- پرونده: ۰۹۵۸۸۵۴ - ۲۰۱ تا تاریخ ۸ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری



۵ - ایجاد شکاف و جاسوسی در کردستان (پی دی اف ۳ مجموعه‌ی ۱۱ جلدی ص ۷۸۹)

اگر شما اسناد را دنبال می کنید می بیند با چه اطلاعات ریزی حوادث کردستان از قبل از انقلاب تا زمان شورش‌های پس از انقلاب دنبال می شده است .

سند شماره (۲۵)

از: اداره و ابسته دفاعی ایالات متحده، تهران
 به: دفتر اطلاعات وزارت دفاع، واشنگتن، دی.سی. دارای اولویت
 رونوشت: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی.
 منبع: وابسته نظامی بیگانه
 طبقه بندی: سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان، شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

شماره سند: ۹۷۴۷

موضوع: موقعیت در غرب ایران

تهیه کننده: سرهنگ شیفر، نیروی هوایی ایالات متحده، وابسته نظامی

۱۶- خلاصه: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی) وابسته نظامی محلی دیدار پنج روزه‌ای (۱۶ تا ۲۱ اوت) از آذربایجان غربی و کردستان داشت. مذاکراتی با رهبر مذهبی کرد، عزالدین حسینی و رئیس کمیته ارومیه حسنی صورت گرفت. تقریباً تمام غرب ایران از ارومیه (رضایه) تا سنندج توسط کردها کنترل می شد و بیشتر نواحی نسبتاً آرام بود.
 ۲۲- جزئیات:

الف: (SNF/WNINTEL) یک وابسته نظامی غربی بدون کمک اوراق دیپلماتیک خود، برای دیداری از غرب ایران به جمع کوچکی از روزنامه نگاران و مفسرین پیوست. سفر از تهران در روز ۱۶ اوت شروع شد و از قزوین (۵۰۰۰ شرقی، ۳۶۱۶ شمالی)، زنجان (۴۸۲۹ شرقی، ۳۶۴۰ شمالی)، بیجار (شرقی ۵۹۲۸، ۳۲۴۴ شمالی)، سقز (شرقی ۴۶۱۶، ۳۶۱۴ شمالی)، مهاباد (۵۲۴۳ شرقی، ۳۵۴۰ شمالی) و ارومیه (۴۵۰۴ شرقی، ۳۷۳۳ شمالی) عبور کردند، سپس دیداری از سنندج (۴۷۰۰ شرقی، ۳۵۱۹ شمالی) داشته و بعد از طریق بیجار، زنجان و قزوین به تهران برگشتند.

ب: (SNF/WNINTEL) در تحت هیچ شرایطی نباید گزارش بعدی نشان بدهد که یک وابسته نظامی در ایران، سفری به غرب ایران داشته است. تمام وابسته‌های نظامی از سفر به خارج تهران با وسایل نقلیه زمینی منع شده‌اند و تمام مسافرت‌های هوایی ابتدا باید توسط پروتکل رکن ۲ و دفتر رابط خارجی تأیید شود. بدیهی است که هر اطلاعی در مورد این مسافرت در رابطه با وابسته نظامی خارجی به معنی تحقیقات و رسیدگی و احتمالاً اخراج است.

سند شماره ۱

محرمانه - ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹ مطابق با ۵۸/۶/۲۷

از: سرهنگ شیفر وابسته امور نظامی - دفاعی در نیروی هوایی آمریکا
به: تمامی وابسته‌های دفاعی آمریکا در تهران

موضوع: شرایط قبول توصیه برای صدور ویزا

عطف به: نامه سرکنسول مورفیلد درباره همین موضوع - مورخه ۱۹ آگوست ۱۹۷۹

- ۱- این نامه شامل راهنمایی‌هایی به وابسته‌های نظامی آمریکا می‌باشد تا در توصیه‌هایی که برای صدور ویزا می‌نمایند آن را رعایت کنند.
- ۲- وابسته‌های نظامی آمریکا درباره فامیل درجه یک افراد زیر می‌توانند رأی صدور ویزا توصیه نمایند:

الف: افراد ارتش، ژاندارمری و شهربانی ایران که از سرگرد به بالا باشند.

ب: افراد هواپیمایی کشوری.

ج: افراد دیپلمات درجه یک ایرانی یا خارجی که با دفتر وابستگان نظامی آمریکا همکاری مستقیم داشته باشند.

دوستان افراد فوق‌الذکر از این قاعده مستثنی هستند.

توصیه برای صدور ویزا تنها برای افرادی پذیرفته می‌شود که اطلاعات جاسوسی مفیدی برای آمریکا داشته باشند. متقاضیانی که مشخصات بالا را نداشته باشند اما دارای موقعیتهای فوق‌العاده‌ای باشند

افشاگری ۴۱

(مانند همافرهایی که اطلاعات باارزشی برای ما تهیه نموده‌اند) باید توسط سرهنگ شیفر تأیید شوند. متقاضیانی که دارای شرایط ذکر شده در قسمت الف و ب و ج باشند باید قبل از مراجعه به اداره کنسولگری توسط وابسته دفاعی یا معاون او مورد تأیید قرار گیرند.

۳- بخش صدور ویزا می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی مورد استفاده قرار گیرد؛ اطلاعاتی که معمولاً دسترسی به آن از راههای دیگر امکان‌پذیر نیست و باید توجه داشت که صدور ویزا مورد استفاده شخصی افراد قرار نگیرد. افراد تنها وقتی برای ما مهم هستند که اطلاعات جاسوسی باارزشی فراهم نمایند و یا راهی برای رسیدن به این اطلاعات ارائه دهند.

من در این معامله پایاپای (گرفتن اطلاعات در مقابل صدور ویزا) انتظار دارم گزارشهای مفیدی به دست آید.

📖 - یک سؤال جدی : از کجا بفهمیم این اسناد واقعا مال سفارت آمریکا است و دروغ نیست ؟

چند گزینه را میتوان برای اینکه اثبات کرد اسناد صحت دارند را به کار گرفت :

۱- قراین تاریخی مانند آنچه در متن اسناد لانه هست ، ذکر برخی وقایع تاریخی در کتاب های تاریخ نویسان معاصر حتی حسین فردوست ، رفیق صمیمی محمدرضا شاه

وقوع برخی از وقایع تاریخی غیر قابل انکار نشان میدهد که متنی که در اسناد آمده با آنچه در تاریخ انقلاب رخ داده است انطباق دارد و لذا فارغ از اسناد برخی از حوادث قراینی تاریخی دارد که در زبان خیلی ها چه خودی و چه غیر خودی ذکر شده است. مانند تدارک آمریکا برای کودتا با همکاری سران ارتش پهلوی ، در ایام قبل از ۱۲ بهمن ۵۷ در صورت شکست دولت بختیار. کودتایی که در خاطرات فردوست هست ، در متن اسناد هم دیده می شود.

- از دیگر قراین تاریخی همکاری سفارت آمریکا با آیت الله شریعتمداری و توطئه آیت الله شریعتمداری علیه انقلاب . چیزی که دقیقاً در متن تاریخ رخ می دهد.

۲- کتاب خاطرات مستر همفر : شما اگر خاطرات مستر همفر را بخوانید خواهید دید انگلیس مانند چنین جاسوسی را توسط مستر همفر در عراق در دورانی که عراق جزئی از کشور عثمانی بزرگ بود ، داشته است و آنجا جزئیاتی غیر قابل باور را می بینید که همان جزئیات را در اسناد لانه ی جاسوسی را می بینید. خاطرات مستر همفری که توسط خود او چاپ شده است . در جلوتر بخشی از این کتاب را آورده ایم .

۳- ماجرای افشا شدن جاسوسی آمریکا از سران کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۳ توسط سفارت خانه های در اروپا. چیزی که علنی شد و آمریکا را مجبور به عذرخواهی از سران کشورهای اروپایی کرد. در ادامه مشروح این نکته را می بینید.

حضور هایزر در ایران به گفته احمد مدنی ، وزیر دفاع دولت موقت و اعتراف دو تن از سران ارتش پهلوی

سند شماره ۹۱

محرمانه
از: سفارت آمریکا، تهران - ۲۷۷۶
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی
موضوع: گزارش وضعیت سیاسی، ۷ مارس ۱۹۷۹
۱- (محرمانه - تمام متن)

۶- احمد مدنی وزیر دفاع، در یک مصاحبه تلویزیونی آمریکا را به طرح یک کودتا، در اوایل سال جاری متهم کرد. وی گفت دیدار ژنرال هایزر در ماه ژانویه (از ایران-م) به منظور «سازماندهی یک کودتا به طرفداری از شاه و غرب بوده است.» چنانچه در این مورد سئوالی شود تصمیم داریم سکوت کنیم.

سند شماره ۱۴۴

محرمانه
از: دفتر وابسته دفاعی آمریکا، تهران - ۳۷۰۱
به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی. سی.
منابع: رسانه های خبری فارسی زبان، کارکنان سفارت، وابستگان نظامی سایر کشورها، منبع ۶۸۴۶۰۰۸
تهیه کننده گزارش: سرهنگ تی. ای. شافر، وابسته دفاعی
مقام تأیید کننده گزارش: سرهنگ تی. ای. شافر، وابسته دفاعی
موضوع: گزارش وضعیت ایران، ۸ - ۹ آوریل ۱۹۷۹

الف - (بدون طبقه بندی) اعدام سپهبد ربیعی و خواجه نوری: در ساعت ۰۱:۳۰ بامداد امروز، دوشنبه ۹ آوریل، سپهبد امیرحسین ربیعی، فرمانده و رئیس سابق ستاد نیروی هوایی و سپهبد علی محمد خواجه نوری، رئیس سابق جی ۳ ستاد عالی فرماندهی در تهران تیرباران شدند.
سپهبد ربیعی در جریان محاکمه اش در روز گذشته گفت که متأسف است که برای کسی (شاه) کار می کرده که او را نمی شناخته است. او گفت زمانی شاه را شناختم که ژنرال هایزر تصمیم گرفت او را از ایران بیرون بیندازد. بر اساس گزارش ها، سپهبد خواجه نوری گفت که چون اطلاعات سیاسی کافی نداشتم، نمی دانستم واقعاً چه خبر است.

۲۳ اوت ۱۹۷۹ - ۱ شهریور ۱۳۵۸

محرمانه

از: دفتر وابسته دفاعی آمریکا، تهران - ۹۴۲۲

به: سازمان اطلاعات دفاعی، واشنگتن دی. سی

منابع: رسانه‌های خبری داخلی، پرسنل دفتر وابسته دفاعی

تهیه کننده گزارش: دی. ال. ژیلت

مقام تأیید کننده گزارش: سرهنگ تی. ای. شافر، وابسته دفاعی

موضوع: اطلاعات عمومی نظامی

ج- (بدون طبقه‌بندی) سپهبد ناصر فیروزمند از افسران سابق نیروی زمینی پرده از توطئه برمی‌دارد: بر اساس گزارش‌ها، سپهبد فیروزمند، معاون دوم سابق ستاد ارتش، در طول محاکمه‌اش اظهار داشته است که «در روزهای آخر عمر رژیم گذشته، کمیته‌ای به نام «کمیته بحران» تشکیل شد تا یک استراتژی نظامی بر ضد مردم تدوین کند.» او همچنین فاش ساخت

که کمیته مزبور، «متشکل از وزیر کشور وقت، قره‌باغی؛ فرمانده نیروی هوایی، سپهبد ربیعی؛ فرمانده نیروی دریایی، رحیمی؛ و یک مستشار آمریکایی هر روز برای توطئه بر ضد ملت جلسه داشتند.» او افزود که «سیاست اصلی دولت در آخرین روزهای عمرش جلوگیری از اتحاد ارتش و مردم بود.» این تلاش تا حدود زیادی موفق بود و در زمان خروج شاه سابق از کشور بسیار تشدید شد.

در طول این روزها به عقیده ما دیگر دلیلی برای حاکمیت یک حکومت سلطنتی بر کشور وجود نداشت و همان موقع بود که کمیته بحران تشکیل شد. در آن زمان کل کشور شدیداً ناآرام بود. سپهبد فیروزمند یکی از سه مقامی است که به جرم کشتار مردم در روزهای انقلاب در زندان اوین محاکمه می‌شود. دو نفر دیگر یکی معاون امور هماهنگی ستاد نیروهای مسلح و استوار نیروی منجله گارد شاهنشاهی، حسین شیخ، و دیگری رئیس کلانتری شماره ۹ پلیس، کریم بیرامی، است.

نظریات مرکز تهیه گزارش: گمان می‌کنیم مستشار آمریکایی مذکور ژنرال هایزر باشد. احتمالاً اگر جلسات محاکمه علنی باشد نام او را بیشتر خواهیم شنید.

- مستر همفر :

پس از انجام موفق بسیاری از مأموریت ها در عراق و تأثیرگذاری روی محمد عبدالوهاب به بریتانیا برگشتم . بخاطر انجام موفق مأموریت ها با مرخصی ۱۰ روزه موافق شد. پس از این مرخصی ، ناچار به وزارت خانه رفتم تا از مأموریت آینده ام با خبر شود. در دیوار با معاون ، او را مثل همیشه خندان و خوشحال دیدم. با من به گرمی دست داد و به بیان دوستانه ای گفت :

" وزیر شخصاً به من دستور داده تا همانگونه که کمیسیون مخصوص امور مستعمرات ابراز عقیده کرده اند ، شما را از دو راز مهم با خبر سازم. آگاهی شما نسبت به آنها ، در مأموریت های آینده ی شما فوق العاده سودمند و مؤثر خواهد بود . از این دو موضوع سری، فقط تعداد انگشت شماری از اعضای وزارت مستعمرات خبر دارند. " پس دستم را گرفت و مرا به یکی از اتاق های وزارت خانه راهنمایی کرد . عده ای در اطراف میزگردی نشسته بودند. نزدیک از تعجب فریاد برآورم. زیرا ده نفر حاضران در آن جلسه ، عبارتند بودند از :

۱. شبیه امپراطور عثمانی که به زبان های ترکی و انگلیسی صحبت می کرد.
۲. شبیه شیخ الاسلام قسطنطنیه .
۳. شبیه پادشاه ایران .
۴. شبیه عالمی شیعی مذهب در دربار ایران .
۵. شبیه مرجع تقلید شیعیان در نجف .

سه نفر اخیر به زبان های فارسی و انگلیسی صحبت می کردند . در کنار هر یک از این مقامات منشی مخصوصی نشسته بود که سخنان آنها را یادداشت و برای حاضران ترجمه می کرد. آشکار بود که هر یک از منشی ها ، از مدت ها پیش ، با یکی از پنج نفر مذکور تماس داشته و ایشان را در جریان گزارش ها و اطلاعات به دست آمده از جاسوسان انگلیسی در رابطه با ۵ مقام اصلی حقیقی

مقیم قسطنطنیه ، تهران و نجف قرار داده بودند . بنابراین ، مقامات بدلی کاملاً به وظایف و موقعیت خود آشنایی داشتند.

معاون آغاز سخن کرد و گفت : " این آقایان (پنج نفر) در قالب شخصیت های اصلی خود رفته اند تا آشکار شود مقامات مذکور چگونه می اندیشند و نظرشان نسبت به آینده چیست ؟ ! . ما آنان را در جریان اطلاعاتی که از شهرهای قسطنطنیه ، تهران و نجف به دست آورده ایم ، گذاشته ایم . اینک ایشان حس می کنند که واقعاً پنج مقام اصلی و حقیقی اند و با این احساس ، به پرسش های ما با یادآوری و بهره گیری از معلوماتی که دارند پاسخ می دهند. ما بدین نتیجه رسیده ایم که تفکر و برداشت ایشان نسبت به مسائل و پاسخ هایی که به هر یک از پرسش ها می دهند، ۷۰ درصد با حقیقت تطبیق می کند، یعنی ۷۰ درصد با آنچه در اندیشه شخصیت های اصلی خلجان دارد، هماهنگ و برابر است.

معاون در دنبال صحبت های خود مرا مخاطب قرار داد و گفت : " تو اگر مایل باشی ، میتوانی آزمایش خود را شروع کنی . مثلاً میتوانی با مرجع تقلید شیعیان در نجف ، پرسشهایی را مطرح کنی . " گفتم : " بسیار خوب " و بلافاصله پرسش هایی را با او مطرح کردم.

نخستین موضوعی که از او پرسیدم ، این بود : " سرور من ! آیا اجازه می دهید که مقلدان شما ، یعنی پیروان تشیع ، با حکومت سنی و متعصب عثمانی ، به مخالفت برخیزند و با عثمانی ها اعلان جنگ دهند ؟ " مرجع تقلید ساختگی لحظه ای اندیشید و گفت : " من اجازه ی جنگ نمی دهم . زیرا آنان مسلمان سنی مذهب هستند و بنا به مدلول آیه ی شریفه ی " مسلمانان برادرند " ، تنها در موردی جنگ جایز است که عثمانی ها به مردم ستم روا دارند. در این صورت از باب امر به معروف و نهی از منکر میتوان به عمال حکومت مبارزه کرد و آن هم تا زمانی که آثار ستم زائل شود و آنان از ستم کاری باز ایستند. " - و دو سؤال دیگر هم کردم که با جزئیات جالبی و شگفت انگیزی پاسخ داد. -

نکته جالب این بود که حاضر جوابی و آمادگی مرجع تقلید بدلی کاملاً مطابق با اظهارات مرجع حقیقی نجف بود، بدون کم و زیاد. به هر حال از این هماهنگی و تشابه، سخت یکه خوردم، زیرا

پاسخ‌ها درست نظیر مطالبی بود که مرجع اصلی به زبان فارسی بیان داشته بود و مرجع بدلی هم به فارسی گفتگو می‌کرد.

.... معاون کتاب پرحجمی را که بالغ بر هزار صفحه بود برای مطالعه، در اختیارم گذاشت. در آن کتاب، ارقام و آمار نتیجه مقایسه‌ها و ارزیابی‌هایی را که از گفتگو و مناقشات شخصیت‌های اصلی با شخصیت‌های بدلی بدست آمده بود، درج شده بود. ومن بایستی از برنامه ریزی و خطوط اجرایی دولت بریتانیا در موضوعات و مسائل نظامی، مالی، فرهنگی و مذهبی که در ممالک اسلامی، بر پایه نتایج بدست آمده، تنظیم شده بود، آگاه می‌شدم. به هر حال، کتاب را به منزل بردم و مدت سه هفته از آغاز تا پایان آن را به دقت خواندم.

ماجرای افشا شدن جاسوسی آمریکا از سران کشورهای اروپائی بوسیله‌ی سفارت خانه‌های خود در اروپا

زمان انتشار خبر: یک شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۴؛ اعتراض به جاسوسی آمریکا از آلمان

صدها نفر در اعتراض به همکاری سرویس اطلاعات خارجی آلمان با سازمان امنیت ملی آمریکا در زمینه‌های جاسوسی، در برلین زنجیره انسانی تشکیل دادند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر، معترضان خواستار کنترل بیشتر بر این دستگاه اطلاعاتی و شفافیت در زمینه فعالیت‌های جاسوسی سازمان امنیت ملی آمریکا در خاک آلمان شدند.

جاسوسی از ژاپن:

- سخنگوی دولت ژاپن تاکید کرد که باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا از توکیو به خاطر جاسوسی واشنگتن از سیاستمداران ژاپنی عذرخواهی کرده است.

جاسوسی از فرانسه:

- ۹۲/۸/۷ : نکته جالب توجه واکنش کاخ سفید به این اقدام دولت فرانسه بود. سخنگوی کاخ سفید در پی عصبانیت فرانسوی‌ها از جاسوسی آمریکایی‌ها، این امر را موضوعی عادی عنوان کرد و گفت: "همه کشورها از هم جاسوسی می‌کنند".

بر اساس گزارش لوموند، آژانس امنیت ملی آمریکا، از ۷۰,۳ میلیون تماس تلفنی در فاصله ۱۰ دسامبر سال گذشته میلادی تا ۸ ژانویه ۲۰۱۳ با استفاده از برنامه‌ای به نام «US-۹۸۵D» جاسوسی کرده که این جاسوسی به شنود مکالمات تلفنی محدود نبوده و پیام‌های متنی فرانسوی‌ها را نیز در بر گرفته است. پیشتر نیز لوموند از جاسوسی گسترده آمریکایی‌ها از شبکه اینترنت در فرانسه خبر داده بود که از جمله اهداف آن می‌توان به شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، توییتر و اطلاعات بانکی اشاره کرد.

ماجرا به حدی بالا گرفت که رئیس جمهور آمریکا وادار شد، برای دلجویی از همتای فرانسوی خود وارد عمل شود. او طی تماس تلفنی با فرانسوا اولاند، همتای فرانسوی خود گفت: «روش‌های گذشته برای گردآوری اطلاعات بازبینی شده‌اند و مسئولان آمریکایی می‌کوشند، توازنی میان تامین امنیت و مراقبت از اطلاعات شهروندان برقرار کنند.

جاسوسی از آلمان

سخنگوی دولت آلمان هفته گذشته اعلام کرد، برلین اطلاعاتی در دست دارد که نشان می‌دهد آمریکا تماس‌های تلفنی آنگلا مرکل را شنود کرده است. دولت آلمان، بلافاصله خواستار "توضیح فوری و جامع" واشنگتن درباره این موضوع شد. چند روز بعد، هفته نامه آلمانی اشپیگل نیز خبر داد، اسنادی در اختیار دارد که نشان می‌دهد سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا از سال ۲۰۰۲، تلفن آنگلا مرکل را شنود می‌کرده‌اند؛ یعنی زمانی که وی هنوز به صدراعظمی نرسیده بود.

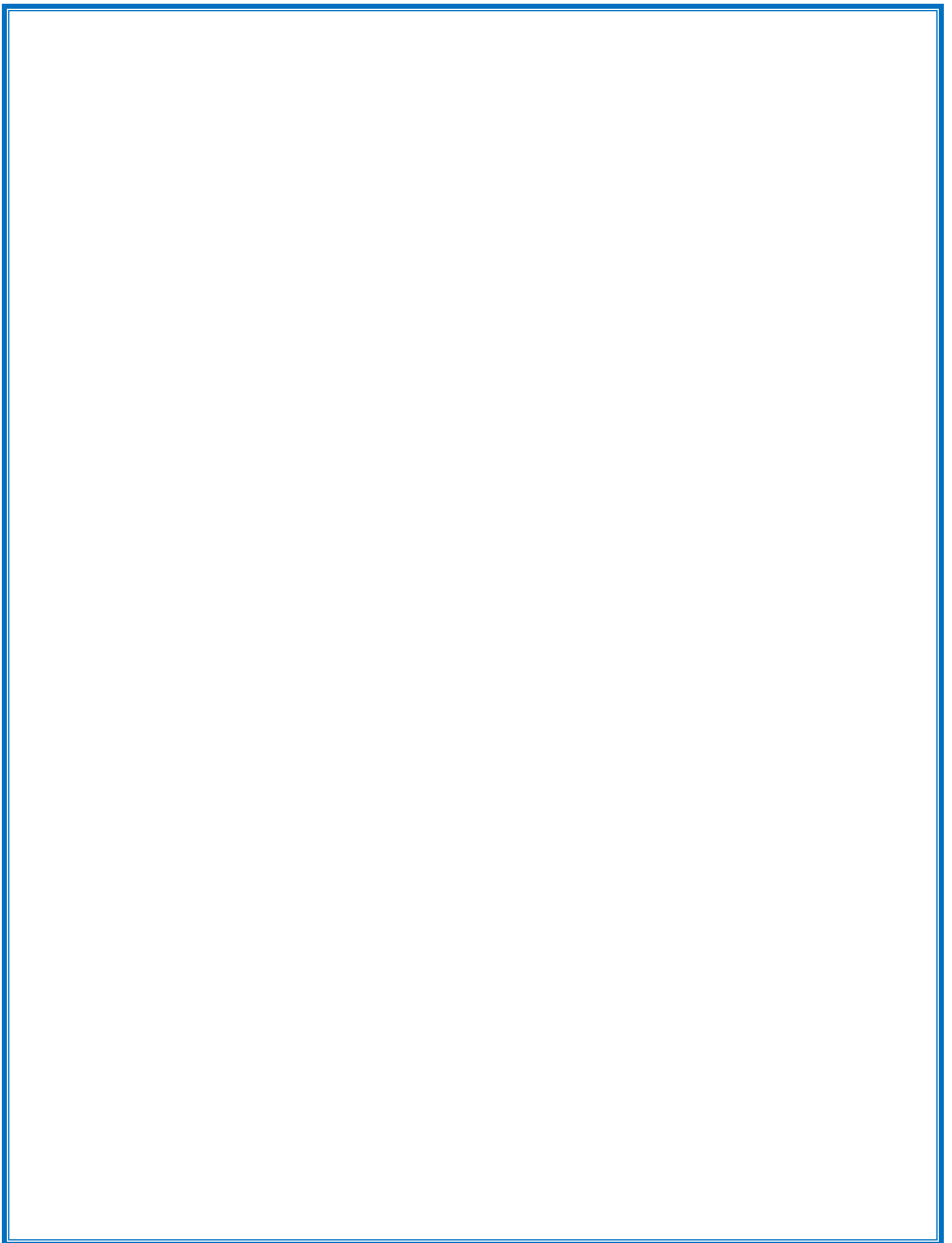
به هر حال، افشا این موضوع باعث انتقاد شدید گیدو وستروله، وزیر خارجه آلمان از آمریکا به خاطر جاسوسی از آنگلا مرکل شد و درباره توضیحاتی که پیشتر واشنگتن درباره گستره برنامه جاسوسی خود به برلین داده بود، گفت: "در تابستان، ما توضیحات و تضمین‌هایی از آمریکا دریافت کردیم. اینکه آیا ما می‌توانیم به این توضیحات و تضمین‌ها اعتماد کنیم چیزی است که باید بار دیگر بررسی شود."

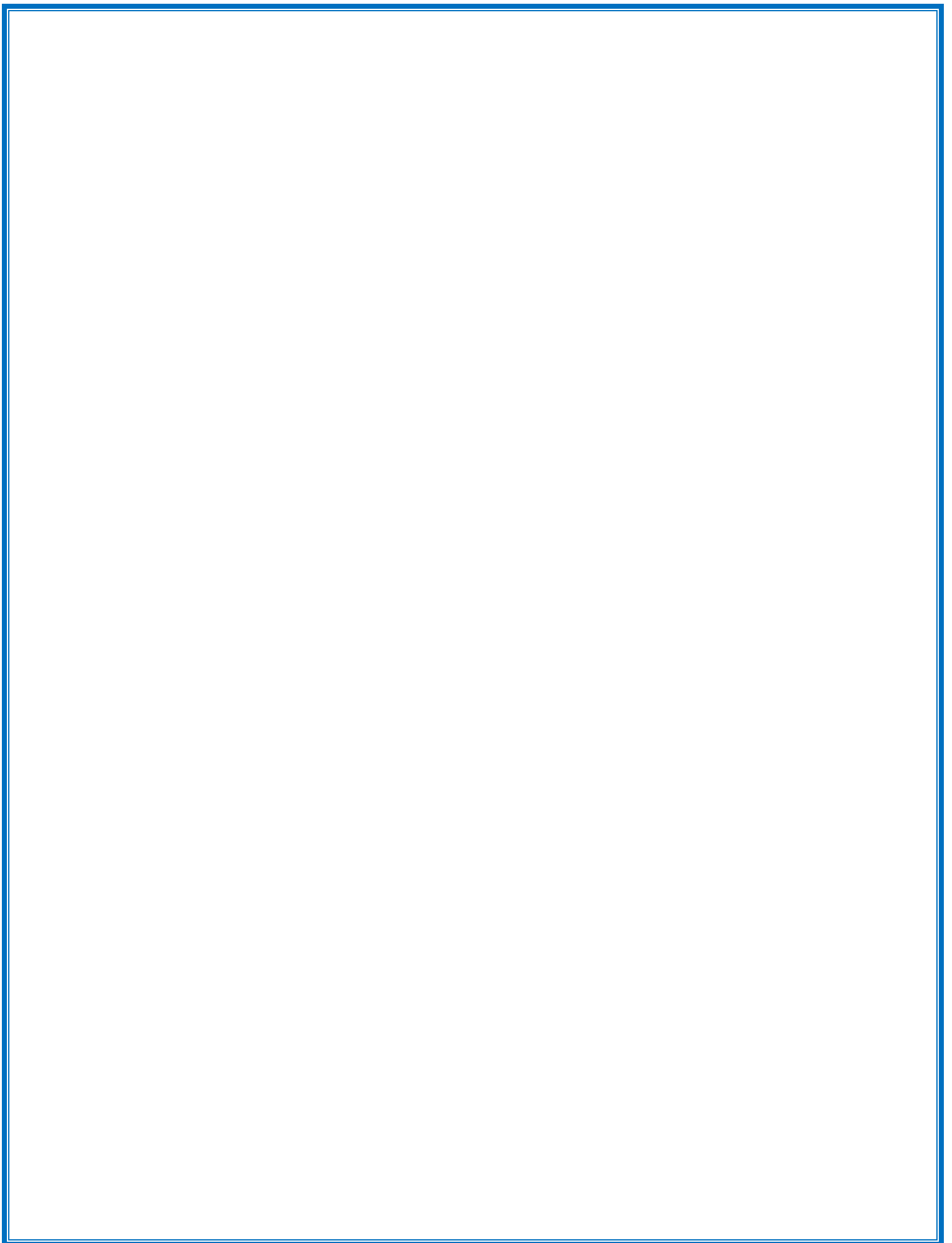
برزیل، مکزیک، اسپانیا و ایتالیا؛ دیگر اهداف جاسوسی آمریکا

روسای جمهور مکزیک نیز از جاسوسی‌های آمریکایی‌ها در امان نبوده‌اند. آژانس امنیت ملی آمریکا علاوه بر هک ایمیل «فیلیپ کالدرونو»، رئیس جمهور پیشین مکزیک، از «انریکه پنانیه‌تو»، رئیس جمهور کنونی این کشور نیز جاسوسی کرده است که همین امر موجب شد، وزارت خارجه مکزیک از آمریکا خواست درباره جاسوسی اینترنتی از شهروندان مکزیکی توضیح دهد.

دیده‌بان جاسوسی ایتالیا نیز اخیرا گزارشی از جاسوسی‌های گسترده آژانس امنیت ملی آمریکا از شهروندان ایتالیایی منتشر کرده است. قرار است در این زمینه اعضای کمیته پارلمانی مسئول در این زمینه به ایالات متحده بروند و با مقامات آژانس اطلاعات آمریکا و روسای کمیته در کنگره نیز دیدار کنند.

" ماریانو راخوی " نخست‌وزیر اسپانیا نیز در پی انتشار گزارشی مبنی بر جاسوسی آژانس امنیت ملی آمریکا از شهروندان اسپانیایی، سفیر آمریکا در این کشور را فراخواند. اسنادی که اخیرا ادوارد اسنودن منتشر کرده نشان می‌دهد آژانس امنیت ملی آمریکا ماهانه بیش از ۶۰ میلیون مکالمه تلفنی اسپانیایی‌ها را شنود کرده است.





نفوذ انگلیسی‌ها در بیت یک مرجع



مرحوم آقای آسید حسن تهامی که از علمای بزرگ کشور ما و ساکن بیرجند بود، رفته بود در بیرجند مانده بود؛ ملای خیلی بزرگی بود، اگر در قم یا نجف میماند، حتماً مرجع تقلید میشد؛ مرد بسیار دانایی بود. ایشان خودش برای من نقل کرد؛ گفت آن وقتی که عراقی‌ها با انگلیس‌ها

میجنگیدند - در [سال] ۱۹۱۸؛ قریب صد سال پیش - یکی از مراجع وقت، یک نوکری داشت که خیلی مرد خوبی بود، با طلبه‌ها گرم میگرفت، صحبت میکرد، با همه آشنا بود، با همه رفیق بود؛ اسمش را هم ایشان میگفت؛ من یادم نیست. گفت بعد که انگلیس‌ها غلبه پیدا کردند و عراق را تصرف کردند و آخرین جا نجف بود که وارد نجف شدند، خبر رسید به طلبه‌ها که این نوکر فلان آقا، یک افسر انگلیسی است! گفت من باور نکردم؛ گفتم مگر میشود چنین چیزی؟ بعد میگفت در بازار حویش - بازار معروفی است در نجف - داشتم میرفتم، دیدم هفت هشت ده نفر افسر انگلیسی و نظامی انگلیسی سوار اسب دارند می‌آیند - آن وقت با اسب رفت‌وآمد میکردند - یک افسری هم جلویشان است؛ خب، من کنار وایستادم که اینها بیایند رد شوند؛ وقتی رسیدند به من، دیدم آن افسری که جلو بود، از آن بالا گفت: آقای آسید حسن، حالت چطور است! نگاه کردم دیدم بله، همان آقای است که نوکر فلان مرجع بود؛ سالها ما این را میدیدیم .

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج، ۰۴/۰۹/۱۳۹۴